نوروز ایرانی ، جشنی به وسعت جهانی

تاریخ تقویم ایرانی و نوروز

در تاریخ بشر از زمانی که انسان وارد دوره کشاورزی شد ، نیاز به شناخت شرایط تغییرات زمانی و محاسبه آن را احساس کرده و این موضوع باعث شد تا رفته رفته یافتن اسلوب و زمان بندی رویدادهای جغرافیایی و تغییر فصل ها برای وی اهمیت پیدا کرده و اینگونه بود که نخستین تقویم ها به وجود آمدند .

تقویم های اولیه با تقسیم بندی امروزی به صورت هفته ، ماه و سال نبوده و انسان ها در تمدن های قدیم از دسته بندی های متفاوتی برای این منظور استفاده می کردند ولی رفته رفته تقسیم بندی مبتنی بر ماه های سی روزه ای که به دسته های هفت روزه تقسیم می شدند ، پدید آمد و امروزه می توان دید که بیشتر تمدن های باستانی دارای تقویم خاص خود هستند. برخی از این تقویم ها از الگوی تغییرات ماه برای این تقسیم بندی استفاده کرده و برخی دیگر بر پایه تغییرات زمین نسبت به محور خورشید تنظیم شده اند. از تقویم های باستانی که تا کنون شناخته شده می توان به تقویم های مصری، چینی، هندی، تایلندی، اینکاها در آمریکای جنوبی و بعدها تقویم میلادی ، قمری ، خورشیدی و ... اشاره کرد .

در این میان، تقویم ایرانی یکی از تقویم های قدیمی و باستانی در جهان محسوب شده و مبتنی بر تغییرات وضعی زمین نسبت به خورشید است و ایرانیان باستان اساس سال نوی خود را بر پایه آغاز فصل بهار، محسوس ترین تغییرات طبیعت انتخاب کردند. زمانی که طبیعت دوباره تولد شده و شکوفا می شود ، سال نوی ایرانی نیز آغاز شده و می توان گفت که این موضوع مهمترین تفاوت تقویم ایرانی با سایر تقویم های ملل باستانی است .

اطلاعات تاریخی و منابع باستانی در این رابطه نشان می دهد که در دوره هخامنشی ایرانیان اصول تقویم نگاری مصری را اقتباس کرده و ماه معادل با ماه توت مصری را به عنوان آغاز سال نوی خود قرار دادند. البته ایرانیان در این موضوع تقلید کننده صرف نبوده و تغییرات بسیاری را در این تقویم به وجود آوردند و در واقع به آن رنگ و بوی ایرانی بخشیدند. برای نمونه آغاز سال در تقویم مصری نخستین روز پاییز بوده اما ایرانیان آن را به آغاز بهار منتقل کردند و برای تثبیت این تقویم و جلوگیری از تغییر روز نخست سال، با ایجاد سال کبیسه، نوروز را در نخستین روز بهار ثابت نگه داشتند.

حمزه بن اصفهانی در توضیح سال نوی ایرانی به استناد خدای نامه می نویسد :« آغاز سال ایرانی زرتشتی با اول فروردین ماه به آغاز خلقت منسوب است زیرا خلقت در روز هرمزد از ماه فروردین در نقطه اعتدال ربیعی بوده است. »

البته بر اساس برخی از منابع، در ابتدا آغاز سال ایرانی ماه دی بوده و به دلیل نبودن سال کبیسه، رفته رفته این آغاز سال به ابتدای فروردین رسیده است. این دوره که آغاز سال با آغاز بهار یکی شده بود، مقارن با اصلاحات داریوش بزرگ هخامنشی بوده است. او ابتدای بهار را به عنوان نخستین روز سال برگزید و در آن دوره بود که با قرار دادن سال کبیسه از تغییر زمان آغاز سال جلوگیری شد.

امروزه شاهد هستیم که درست با آغاز نخستین روز از فصل بهار که به طور محسوسی می توان تغییرات را در طبیعت مشاهده کرد، نوروز ایرانی آغاز می شود. به طور معمول در فرهنگ ایرانی برای برگزاری جشن نوروز آداب و رسومی وجود دارد که پیش از فرارسیدن آن انجام می شود و سپس جشن نوروز که 12 روز به طول می انجامد ، فرا رسیده و مراسمی نیز در به پایان رساندن جشن برگزار می شود که در مجموع می توان گفت بیش از یک ماه را در بر می گیرد.

**نوروز در ایران و سایر ملل**

از آن جهت که سرزمین ایران باستان وسعت بسیاری داشته و بسیاری از کشورهای همسایه را در بر می گرفته است، جشن نوروز تنها منحصر به جغرافیای سیاسی امروزی ایران نیست. بسیاری از کشورها در معادلات سیاسی امروزی، جزئی از ایران به شمار نمی روند اما در روزگاران پیشین بخشی از سرزمین ایران بوده و هنوز نیز می توان آن ها را در حیطه فرهنگی ایرانی قرار داد. این کشورها نوروز را گرامی داشته و به فراخور حال خود آن را برگزار می کنند. جشن نوروز جشنی است که در کشورهایی همچون ایران، تاجیسکتان و افغانستان به طور رسمی و همه ساله برگزار می شود و می توان آن را در بسیاری از دیگر کشورها مشاهده کرد. کشورهایی هستند که این جشن را به رسمیت نشناخته اند اما مردم آن را در سطح قابل توجهی برگزار می کنند. علاوه بر آن در هر کشوری که ایرانی زندگی می کند برگزاری این جشن نیز دیده می شود.

از کشورهایی که آداب و روسم نوروز در آن وجود داشته و انجام می شود، می توان به تاجیکستان، افغانستان، عراق، ترکیه، قزاقستان، قرقیزستان، ازبکستان، جمهوری آذربایجان، ترکمنستان، گرجستان، پاکستان، هندوستان، تانزانیا و مصر اشاره کرد. در اینجا به بررسی و توضیح مختصری از چگونگی برگزاری این جشن در این کشورها می پردازیم.

**جشن نوروز در تاجیکستان**

کشور تاجیکستان از جمله سرزمین هایی است که تا روزگاری نه چندان دور، جزء خاک ایران بوده و بر اساس پیمان آخال با روسیه، در سال 1881 میلادی از ایران جدا شده است. مردم این سرزمین پس از جدا شدن از ایران همچنان به برگزاری این مراسم پایبند مانده اند چرا که جشن نوروز را جشن ملی و بازمانده از نیاکان خود می دانند و برای برگزاری آن تقریبا همانند ایرانیان عمل می کنند.

مردم تاجیک این جشن را رمز دوستی و زنده شدن کل موجودات دنیا بیان می کنند و آن را به عنوان خیدیر ایام (عید بزرگ) می شناسند. نخستین روز از سال نو در تاجیکستان با سالشمار یا تقویم دهقانی تاجیکی، همچون تقویم خورشیدی در ایران، در نخستین روز از ماه حمل و برابر با 21 یا 22 ماه مارس میلادی آغاز می شود. آنها این روز را عید سر سال یا عید سال نو می خوانند. روزهای تعطیلی نوروز در تاجیکستان 4 روز بوده و برابر است با 20 تا 23 مارس .

یکی از مهمترین مراسمی که مردم تاجیکستان در استقبال از نوروز انجام می دهند، خانه تکانی یا همان پاکسازی و تمیز کردن خانه و کوچه و خیابان است. آنها بر این باور هستند که نباید گردی از سال کهنه در آغاز سال نو باقی بماند. از دیگر مراسمی که مردم این سرزمین به آن می پردازند این است که پیش از نوروز بانوی خانه زمانی که خورشید به اندازه یک سر نیزه بالا آمد و نمایان شد دو جاروی سرخ رنگ را در جلوی خانه به طور ایستاده قرار می دهد. رنگ سرخ در میان مردم تاجیسکتان رمز و نشانه نیکی، پیروزی و برکت است. پس از برآمدن کامل خورشید هر خانواده ای پارچه ای قرمز رنگ را بر سر در خانه می آویزد و در و پنجره ها را باز می کند تا هوای نو که حامل برکت و شادی است وارد خانه شود. نخستین صبحانه سال نوی این مردم مملو از غذاهای شیرین همانند حلوا، شیربرنج و غیره است تا با خوردن آنها تا پایان سال زندگی شیرینی را احساس کنند.

چیدن سفره هفت سین از مراسم اصلی مردم تاجیکستان است آنها همانند ایرانیان در نوروز سفره هفت می چینند که به آن دسترخان می گویند. آنها جشن نوروز را به خیابان ها برده و آنجا برپا می کنند تا همه در شادی آن شریک باشند. لباس نو برتن کردن و تبریک سال نو از رسوم این مردم است. در نوروز، کوچک ترها با گل سرخ نزد بزرگ ترها می روند و در اصطلاح شاگون بهار را مبارک می گویند (تبریک سال نو) و برایشان سال خوشی را آرزو می کنند.

از دیگر رسم های این سرزمین پختن شیرینی های ویژه نوروز و غذاهای متنوع و گوناگون است که می توان به باج اشاره کرد. باج غذایی است که کله پاچه گوسفند را با گندم می پزند و دیگران را به آن مهمان می کنند. بر حسب سنت و به طور معمول بر سفره نوروزی هر خانواده تاجیکی می توان خوراکی هایی همچون آش پلو، سومنک (سمنو)، کلوچه، انواع شرینی، سمبوسه، نان فتیر، انار، ماستابه، انگور، سیب، مویز، گردو، بادام، برگه زردآلو و هلو را مشاهده کرد. مردم تاجیکستان در این روزها برای تفریح و سرگرمی، بازی های سنتی همچون؛ تاب بازی، تخم مرغ بازی، بزکشی، کشتی محلی، کبک جنگی و خروس جنگی را در گروه های بزرگ و کوچک برگزاری می کنند.

**جشن نوروز در افغانستان**

کشور افغانستان در زمان قاجار و در سال 1273 هجری قمری به طور کلی از ایران جدا شد اما می توان گفت که این جدایی تنها یک جدایی سیاسی بوده و هنوز پیوندهای فرهنگی و عاطفی مردم دو سرزمین پابرجا بوده و هیچگاه از یکدیگر گسسته نشده است و مردم سرزمین افغانستان سنت و رسوم دیرنیه خود را هرگز فراموش نکرده اند. نوروز در تاریخ و فرهنگ این سرزمین بزرگداشت زندگی و طبیعت است و مردم آن جشن نوروز را با شکوه بسیاری برگزار می کنند. در افغانستان روز تعطیلی نوروز برابر با 21 مارس میلادی است.

برگزاری سال نو در میان افغان ها بسیار شبیه ایرانی ها است . آنها نیز پیش از آغاز سال نو به خاکروبی خانه خود می پردازند و در روزهای نخستین سال، لباس نو برتن کرده و به دید و بازدید آشنایان و دوستان می پردازند. مردم منطقه بلخ در روزهای نخستین سال نو به انجام مسابقات مختلفی از قبیل بزکشی، شترجنگی، شترسواری، قوچ جنگی و کشتی خاص این منطقه می پردازند. در شهر مزار شریف نیز علاوه بر سنت های رایج نوروز، در آغاز سال نو بر سر در خانه ها و مغازه ها پرچم مزین به نام حضرت علی (ع) برافراشته می شود .

**جشن نوروز در عراق**

کشور عراق نیز در روزگاری نه چندان دور بخشی از ایران بوده است . شهر تیسفون یا مدائن که بقایای آن امروزه در نزدیکی بغداد قرار دارد برای قرن ها پایتخت سلسله های ایرانی همچون اشکانیان و ساسانیان بوده است. نوروز نیز در این کشور جشن گرفته می شود و به مناسبت برگزاری آن 5 روز تعطیل است. مراسم نوروز در بین کردهای عراق بسیار باشکوه تر از دیگر اقوام عراقی برگزار می شود و از اهمیت بیشتری برخوردار است. مقامات سیاسی روی کار آمده پس از صدام حسین ، نوروز را به مردم این کشور تبریک می گویند. روز تعطیلی سال نو در عراق برابر با 21 مارس است.

جشن نوروز در سراسر عراق شناخته شده و مرسوم است. کردهای عراق همانند کردهای ایران رسم دارند تا اگر پیش از نوروز عزیزی را از دست داده اند، در نوروز در خانه خود منتظر بمانند تا دیگران برای تسلی دادن ، به دیدارشان بیایند. قوم ایزدی‌ها که در شمال عراق زندگی می‌ کنند نیز همانند کردها به برگزاری نوروز می پردازند. در حقیقت نوروز برای قوم ایزدی ها همان جشن چهارشنبه سوری است که چهارشنبه سور یا چهارشنبه سرخ می‌ نامند. مردم این منطقه برای نوروز تخم مرغ رنگ می‌ کنند آنها معتقد هستند که شکل تخم مرغ شبیه زمین است با رنگ کردن آن دنیا به این رنگ‌ ها شده و دشت و صحرا رنگین می شوند. از دیگر مزاسم این مردم این است که در شب نوروز خمیری با آرد درست می کنند و در میان آن گلی را که از دشت چیده اند، قرار می دهند و بر سر در خانه می آویزند. در حقیقت آنها با این کار بهار را به خانه می آورند. قابل توجه است که ایزدی ‌ها در صبح زود نوروز به دشت‌ ها می‌ روند و با قطرات شبنم دست و روی خود را می شویند و باور دارند با این کار فرد بیمار شفا پیدا خواهد کرد.

در این روزها زنان کرد و یا ایزدی برای خیرات مردگان خود، نانی به نام سوک می ‌پزند و به گورستان می ‌برند. این مردم پس از 13 روز از آغاز نوروز ، جشنی می گیرند که می توان گفت همان جشن سیزده بدر در ایران است.

**جشن نوروز در ترکیه**

جشن نوروز در کشور ترکیه بیشتر توسط کردهای این کشور برگزار می شود و این جشن برای آنها اهمیت خاصی دارد. در سال های اخیر در پی تلاش های مردم مناطق کردنشین ترکیه، دولت ترکیه نوروز را به صورت رسمی پذیرفته است و مردم می توانند آن را به طور گسترده برگزار کنند. در بخش هایی از مناطق شمال و در شهرهای جنوب شرقی این کشور، مانند دیاربکر، شانلی اورفا، ماراش و مرسین نوروز نشان از رسم و آئین های محلی دارد و بسیار شکوهمندانه برگزار می شود. دانش آموزان ترکیه این جشن را به عنوان جشنی فرهنگی و هنری می شناسند.

پخت شیرینی‌های خانگی و غذا‌های محلی از سنت‌های دیگر نوروزی در ترکیه محسوب می شود. تمیز کردن خانه و تهیه لباس نو نیز بخش دیگری از سنت مردم ترکیه برای استقبال از نوروز است . از جمله رسوم اجرا شده در نوروز در این نواحی می توان به نواختن سورنا و دهل و دیگری ایراد سخنرانی‌ها در کنار کپه ‌های آتش اشاره کرد.

**جشن نوروز در جمهوری آذربایجان**

کشور جمهوری آذربایجان در عهدنامه گلستان در سال 1813 میلادی از ایران جدا شده و به روسیه واگذار شد و در زمان فروپاشی جمهوری شوروی، در سال 1991 میلادی آذربایجان به کشوری مستقل به نام جمهوری آذربایجان تبدیل شد به همین دلیل از نظر تاریخی و فرهنگی بخشی از ایران محسوب می شده و امروزه می توان شاهد حضور پر رنگ فرهنگ ایرانی در این سرزمین بود.

 در دوره ای که آذربایجان بخشی از شوروی کمونیستی بود ، مردم آن نمی توانستند آشکارا به رسوم و آئین های دیرینه خود از جمله نوروز بپردازند. اما پس از فروپاشی کمونیسم و استقلال جمهوری آذربایجان، این جشن به رسمیت شناخته شده و جزو روزهای خاص و رسمی این کشور به حساب آمده است. با فرا رسیدن نوروز، همه نهادهای دولتی در آذربایجان بین یک هفته، از 20 تا 26 مارس تعطیل هستند تا مردم بتوانند به برگزاری این آئین دیرینه بپردازند.

بیشتر آئین های نوروزی این کشور به جز جشن سیزده به در، با ایران یکی است. مردم این کشور روزی به نام طبیعت و یا سیزده بدر در روزهای نوروز ندارند. از جمله آئین و مراسمی که مردم این منطقه برای پیشواز نوروز انجام می دهند می توان به سرودن ترانه های پیش از نوروز، برپا کردن سفره نوروز، سبزه درست کردن، تمیز کردن خانه و خرید لباس نو و غیره اشاره نمود.

چهارشنبه سوری از مراسمی بوده که پیش از فرا رسیدن نوروز در بین مردم این منطقه مرسوم است. در این جشن دختران در دل یک نیت می کنند و پشت در فالگوش می ایستند اگر سخنانی که شنیدند خوب و نیک بود فالشان خوب بوده و نیتشان برآورده می شود و اگر سخن ناپسند و بدی بشنوند، نیتشان برآورده نمی شود. به باور مردم این سرزمین مهمترین نتیجه و اثر این رسم، دوری جستن از سخن گفتن نادرست و بد است. آشتی کردن افرادی که با یکدیگر قهر هستند نیز از مراسم نوروز آذربایجانی ها بوده تا از قهر و کینه نسبت به هم دوری کنند.

آویزان کردن کیسه و یا توبره از بام یا در خانه، از دیگر رسم های جالب و قشنگ مردم آذربایجان در روزهای سال نو است. آنها با این کار درخواست تحفه نوروزی می کنند. پخت سمنو که نشانه برکت است و به عنوان تداوم بخش نسل ها شناخته می شود، همراه با موسیقی در این روزها انجام می گیرد.

پخت شیرینی های سنتی برای نوروز در این منطقه نیز معمول بوده که شکر بوره و باقلوا دو نوع از شیرینی های سنتی آنها است و بیشتر در باکو پخته می شود و بر سفره هفت سین قرار داده می شود. دید و بازدید نوروزی از اقوام و آشنایان در تعطیلات سال نو در میان مردم این کشور دیده می شود.

**جشن نوروز در قزاقستان**

کشور قزاقستان نیز نوروز را با نام اعتدال بهاری می شناسد و در بین مردم قزاق این باور وجود دارد که ستاره های آسمانی در این روزها به نقطه ابتدایی رسیده و همه جا تازه شده و زندگی از نو آغاز می شود در نتیجه خیر بر زمین فرود می آید و شادمانی همه جا را فرا می گیرد. روزهای تعطیل نوروز در قزاقستان 4 روز بوده و از 21 تا 24 مارس همه نهادهای دولتی تعطیل هستند.

رسم تمیز کردن خانه پیش از نوروز که در ایران به آن خانه تکانی گفته می شود، در میان مردم قزاقستان نیز وجود دارد. آنها معتقد هستند که با تمیز کردن خانه بیماری و بدبختی از آنها دور شده و سلامت خواهند بود. قزاق ها در پیشواز نوروز به آماده کردن نوعی آش پخته شده از هفت ماده غذایی به نام گوژه می پردازند در واقع مردم با پخت این غذا با زمستان و غذاهای زمستانی خداحافظی می کنند. آنها در شب نوروز، عروسکی تزئین شده را که زنگوله ای از گردنش آویزان است بر اسبی سوار کرده و در دشت رها می کنند تا کردم را با صدای زنگوله بیدار کرده و نوید نوروز دهد.

بر اساس سنتی دیرینه مردم قزاقستان در روزهای نوروز دو شمع روشن را بر درگاه خانه هایشان قرار می دهند تا روشنی را به برای خانه خود داشته باشند. پوشیدن لباس نو به ویژه با رنگ سفید نشانه شادمانی است و دید و بازدید خانوادگی نیز از دیگر رسم های مردم محسوب می شود.

در نوروز دختران روستایی تازه نامزد شده قزاق با پخت نوعی غذا با گوشت اسب (سوقیم) به نام اویقی آشار، از نامزد خود پذیرایی می کنند و مردان نیز با دادن هدایایی مانند آینه، شانه و عطر به آنها، علاقه و عشق خود را نشان می دهند. برگزاری مسابقات نوروزی همچون قول توزاق، کوکپار برداشتن بز از مکانی مشخص توسط سواران، آودار یسپاق، قیزقوو، آیتیس (مسابقه شعر و شاعری) و آلتی باقان در این روزها مرسوم است. در صورتی که در روز نخست سال نو برف یا باران ببارد به فال نیک گرفته و نشانه خیر و نیکی است و سال خوبی پیش روی مردم خواهند بود.

**جشن نوروز در ترکمنستان**

در کشور ترکمنستان نیز نوروز جشن گرفته می شود. نوروز در بین ترکمن ها و بر طبق اعتقاد دیرینه اشان، سنبل و نماد زندگی دوباره، برکت، مکنت، سعادت و رفاه است. کشاورزان ترکمنستان نوروز را نشانه برکت دانسته چرا که زمین دوباره آماده کشت و کار می شود. نوروز جزء جشن های ملی ترکمنستان به حساب آمده و از 20 تا 23 مارس به مدت 4 روز، تعطیل رسمی است.

دید و بازدید از آشنایان و دوستان در نوروز در بین این مردم مرسوم بوده و اهمیت خاصی بر خوردار است. پخت غذاهای نوروزی از جمله نوروز کجه، نوروز بامه و سمنی (سمنو) در این روزها انجام می شود.

جوانان ترکمنی با برگزاری بازی ها و مسابقه های گوناگون همچون اسب دوانی، کشتی، پرش برای گرفتن دستمال از بلندی، خروس جنگی، شاخ زنی میش ها، شطرنج ، مهره بازی و تاب بازی روزهای نوروز خود را به شادمانی می گذرانند. کشاورزان نوروز را در دامنه های کوه کپت داغ و کناره های آمودریا با شکوه خاصی برگزار می کنند.

**جشن نوروز در قرقیزستان**

نوروز در کشور قرقیزستان تنها در روز نخست سال نو خورشیدی برابر با 21 مارس جشن گرفته می شود که این مراسم پس از فروپاشی شوروی و استقلال این کشور از شکوه بیشتری برخوردار شده است.

تمیز کردن خانه، خریداری و تهیه لباس نو برای نوروز، سبز کردن سبزه، سمنو پختن و دید و بازدید در بین تاجیکی های قرقیزستان بیشتر دیده می شود چرا که نورز بین آنها از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. روستای اندرق که مردم آن به زبان فارسی تاجیکی سخن می گویند ، نوروز را همچون آداب و رسوم دیرینه جشن می گیرد.

از مراسم نوروز این مردم ، پختن غذاهای معروف قرقیزی مثل (بش بارماق) مانته برسک و کاتما بوده که در حجم زیادی پخته شده و بین آشنایان و همسایگان پخش می شود. کوجه سومولوک غذایی قرقیزی بوده که به غذای نوروزی معروف است و افسانه ای تاثیر گذار را در خود نهفته است . بنا بر افسانه ها زن بیوه ای در روستا زندگی می کرد که توان سیر کردن شکم بچه هایش را نداشت. روزی که بچه ها از گرسنگی بی تابی می کردند ، زن سنگی را درون قابله ای پر از آب گذاشته و بر روی اجاق نهاد تا بجوشد. او وانمود کرد که دارد غذایی خوشمزه می پزد و با این تفکر بچه ها را آرام کرد. پخت غذا طول کشیده و بچه ها از گرسنگی خوابشان برد . آنها صبح خیلی زود از فشار گرسنگی بیدار شدند و سراغ غذای خوشمزه مادر را گرفتند. مادر در ادامه بازی خود بر سر اجاق رفت تا به غذا سربزند . در قابله خبری از آب و سنگ نبود، یک غذای خوشمزه واقعی وجود داشت. بچه ها با خوردن این غذا احساس کردند که غذای روز جشن نوروز را می خورند. از آن پس سومولوک به غذای نوروزی قرقیزها مشهور شد.

برگزاری مسابقه سوارکاری در بین قرقیزی ها در نوروز بسیار با اهمیت است به همین دلیل جوایز با ارزشی به نفرات برتر مسابقه اهدا می شود.

**جشن نوروز در پاکستان**

کشور پاکستان نوروز را عالم افروز به معنای روز تازه رسیده می خواند و مردم آن بر این باورند که با فرارسیدن نوروز جهان روشن و درخشان می شود.

پاکیزه کردن خانه، پوشیدن لباس نو، تهیه نمودن انواع شیرینی، دید و بازدید و عیدی دادن در رسم و آئین نوروزی پاکستان نیز دیده می شود. از جمله شیرینی های نوروزی پاکستان می توان به لدو، گلاب جامون، رس ملائی، کیک، برفی، شکرپاره، کرم رول و سوهان حلوا اشاراه کرد. مردم این کشور نیز سفره مخصوص نوروز می چینند که مملو از شیرینی های مختلف و میوه های رنگین است.

یکی از رسوم بسیار خوب نوروزی مردمان این پاکستان پرهیز از گفتار نامناسب است که در این دوران بیشتر به آن اهمیت داده می شود. سرودن اشعار نوروزی به زبان های اردو، دری و عربی بیشتر در قالب های قصیده و غزل در بین شاعران پاکستانی از دیرباز مرسوم بوده است.

**جشن نوروز در ازبكستان**

کشور ازبكستان نیز پس از استقلال از شوروی، هر ساله جشن نوروز را به طور گسترده و به جهت بدرقه کردن زمستان و پیشواز بهار برگزار می کند. شهرهای بخارا، سمرقند، خوارزم و شهرسبز به باشکوه برگزار کردن این جشن بیشتر می پردازند. در تقویم رسمی ازبکستان نیز نوروز جز تعطیلات رسمی محسوب می شود تا مردم این کشور بتوانند آنچنان که شایسته است به برگزاری این جشن سنتی و به یادگار مانده از نیاکانشان بپردازند.اگرچه تقویم این کشور مطابق تقویم میلادی است اما این مساله باعث نشده تا از اهمیت نوروز به عنوان جشنی دیرینه از نو شدن سال کم شود. روز تعطیلی نوروز در ازبکستان برابر است با 21 مارس.

در کشور ازبکستان نیز مراسمی چون خانه تکانی یا همان تمیز کردن خانه، خرید لباس نو و تهیه غذاها و یا شیرینی های ویژه نوروز به عنوان مراسم پیشواز نوروز انجام می شود. در این کشور سفره نوروز، دستار خوان نامیده می شود و بر آن غذاهایی چون گوشت گوسفند و یا گاو آب پز شده، پیراشکی با پیازچه و سومالیاک (سمنو) قرار می دهند. ازبک ها معتقد هستند که هرچه در سال نو سفره رنگین تر و پرتر باشد نشان از امیدواری بر برداشت محصولات کشاورزی بیشتری در سال نو دارد.

پختن سمنو از دیرباز در ازبکستان مرسوم بوده است. در باور مردم ازبک جوانه گندم که در پخت سمنو استفاده می شود، سمبل زندگی ابدی است. آنها در زمان پخت سمنو شعرهای شاد خوانده و به شادی و سرور می پردازند. قابل توجه است اگر در سمنوی میهمان سنگ کوچکی پیدا شود، نشانگر این است که وی و خانواده اش تا نوروز آینده شاد، موفق و تندرست خواهند بود.

**جشن نوروز در گرجستان**

مدتی است که دولت گرجستان روز 21 مارس را به عنوان نوروز و جشن ملی نوروز تعطیل اعلام کرد. هر ساله مردم گرجستان به ویژه آذری زبان ها و آجاری تبارها، نوروز را جشن می ‌گیرند. برگزاری این جشن در بین این قوم شبیه به مراسم ایرانیان است. آنها در این روزها در پاکسازی خانه و کوچه و خیابان از گرد و خاک بسیار اهمیت می دهند و تلاش می کنند تا همه جا پاکیزه باشد. مردم این سرزمین در جشن نوروز لباس نو بر تن می کنند.

**جشن نوروز در هندوستان**

از روزگار باستان روابط قوی فرهنگی و اجتماعی بین ایران و هند وجود داشته و دو کشور از بسیاری از آداب و رسوم و سنن اجتماعی به یکدیگر شباهت دارند. علاوه بر آن مطالعات باستان شناسی نشان می دهد که هندی ها و ایرانی ها دو شاخه از اقوام نخستین آریایی بودند و با اینکه از یکدیگر جدا شده اند اما در طول تاریخ طولانی دو ملت هیچگاه ارتباط آنها قطع نشده است و مهاجرت ها و ارتباطات فرهنگی کلان میان دو کشور به استحکام روابط فرهنگی دو کشور کمک شایانی کرده است. گفتنی است که تا چند سده پیش زبان فارسی، زبان رسمی هندوستان بوده و امروزه شاهد حضور واژه های فراوان فارسی در زبان هندی هستیم.

امروزه جشن نوروز در کشور هندوستان در بین پارسیان هند که از نوادگان مهاجران زرتشتی ایرانی هستند و در اعصار مختلف تاریخ به این کشور مهاجرت کرده اند، رواج دارد. پارسیان هند بیشتر در نواحی مرکزی و شمال هند زندگی می کنند و هر ساله در همان زمان نوروز در بین این افراد و تقریبا با همان آداب و رسوم برگزار می شود. آنها به تمیز کردن خانه خود می پردازند. لباس نو تهیه می کنند. سبزه درست می کنند. سفره هفت سین می چینند. به دیدن یکدیگر می روند و به شادی می پردازند.

**جشن نوروز در تانزانیا**

آن چه تاکنون در مورد برگزاری نوروز گفتیم همه در حیطه و اقلیم جغرافیای فرهنگی و تاریخی ایران بوده ولی قابل توجه است که می توان حضور روح ایرانی و برگزاری نوروز را در قاره آفریقا نیز مشاهده کرد. به گواه متون تاریخی ، در گذشته گروهی از مردم شیراز به منطقه زنگبار در سواحل شرقی قاره آفریقا در تانزانیای امروزی مهاجرت کردند. آنها رسم و آئین دیرینه گذشتگان خود را همچنان حفظ کرده و تا به امروز به اجرای آنها پرداخته اند. برگزاری جشن نوروز نیز یکی از آنهاست. در برخی از بررسی های تاریخی نیز مشخص شده است، زمانی که دولت انگلستان منطقه زنگبار را تصرف می کند، گروهی از پارسیان هند را که در  گجرات هندوستان زندگی می کردند، به این منطقه فرستاده تا به اجرای امور مختلفی که مد نظر داشته دست پیدا کند. این گروه در زنگبار ماندگار شدند و همچون گذشته به ادامه برگزاری این جشن اهمیت دادند.

جشن نوروز در این منطقه، نوروزی نامیده شده و از اهمیت خاصی برخوردار است. پاکیزه کردن خانه، تهیه لباس نو، چیدن سفره نوروزی و تهیه شیرینی نیز از رسومی است که این مردم در اجرای آن کوتاهی نمی کنند.

**جشن نوروز در مصر**

در کشور مصر و در فصل کشاورزی هم زمان با طغیان رود نیل، هر ساله به نام نیروز جشنی برگزار می شود. قلقشندی صاحب کتاب صبح الاعشی در این رابطه توضیح می دهد که نیروز که یکی از مشهورترین اعیاد مصر است، از نوروز ایران باستان گرفته شده و به آن نام نیروز قطبی داده اند. محققان و استاتید مصری کمبوجیه و یا داریوش جانشنین آن را در انتقال نوروز به مصر موثر می دانند. این جشن با همان نام و آداب و سنن ایرانی در مصر برگزار می شود. مصریان در آن روز شادی کرده، آتش می افروزند و آب بر روی یکدیگر می پاشند.

مخالفت حکومت فاطمیان با برگزاری جشن نیروز یا همان نوروز نتوانست ارتباطات فرهنگی این مردم را با این سنت زیبا قطع کند. منابع تاریخی در این باره می گوید: در سال 363 قمری خلیفه فاطمی (المعزلدین الله) افروختن آتش و پاشیدن آب را در نوروز منع کرد ولی سال بعد افروختن آتش و پاشیدن آب از طرف مردم شدت پیدا کرد، مردم به کوچه و بازار ریختند و این اعمال را به شهر قاهره کشاندند و آن را به مدت 3 روز ادامه دادند، بازارها را چراغانی و آذین بندی کردند به همین سبب خلیفه ناچار دستور به منع این اعمال داد و چون مردم به دستور او توجه نکردند، تعدادی از آنها دستگیر شده و به زندان ها افتادند و برای تنبیه تعداد دیگری سوار بر شتر به دورشهر گردانده شدند.

 در متون تاریخی ذکر شده است که در زمان این خلیفه فاطمی در عید نوروز لباس های مردانه و زنانه و مایحتاج نوروز از قبیل مواد غذایی و خربزه، انار، خوشه های موز، سبدهای خرما، حلیم با گوشت مرغ، گوسفند، گاو و نان میان مردم تقسیم می شد، مردم در این مراسم از میان خود مردی را به نام میرنیروز (میرنوروز) انتخاب می کردند و او معمولا صورت خود را با آرد یا ذغال می پوشاند، سوار بر الاغ می شد و جامه قرمز به تن می کرد و در کوچه و بازار شروع به گشت و گذار می نمود. او از مردم طلب عیدی می کرد و مانند مامور مالیات دفتر مخصوصی در دست می گرفت و در صورت عدم دریافت پول و عیدی به صورت آنها آب می پاشید.

... در این روز فرخنده مردم بهترین تبریکات خود را به یکدیگر ابراز می کردند و شعرا نیز بهترین اشعار خود را در رقابت با یکدیگر می سراییدند، از این قصاید می توان به سروده ای که تمیم بن المعزالدین الله فاطمی به مناسبت نوروز به برادرش العزیز بالله خلیفه فاطمی تقدیم کرده، اشاره نمود.

دکتر فاطمه کردی – دکتراحسان محمدحسینی (سیناپرس)